

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دینس سیمرمن Denise Zimmermann
برگردان و افزوده از: دیلوم انجنیر نسرین معروفی
۵ اپریل ۲۰۱۷

گسترش فقر در المان

گزارش فقر ۲۰۱۷: افزایش فقر در المان به بالا ترین سطح رسیده است. انجمن ها شکایت از رشد افتضاح آمیز فقر و فلاکتی که خطر آن همه گروپها را تهدید می کند، و خواستار آند تا علیه فقر مبارزه سیاسی صورت گیرد.

گزارش مطبوعات به تاریخ ۲ مارچ ۲۰۱۷ فقر در المان جدیداً به بالاترین سطح یعنی ۱۵.۷ در صد افزایش داشته است. این ادعا بنابر تشخیص جدید گزارش فقر انجمن رفاه پاریتیت Paritätischen Wohlfahrtsverbands که در سال جاری دوباره با مشارکت و همکاری دیگر انجمن ها و نهاد های حرفه ئی صورت گرفته است، انتشار یافته است. بر اساس اظهارات انجمن روند رشد فقر حد اکثر تعداد را طی سالهای زیاد نشانه گذاری می کند. رشد فقر سیاستی را در اتخاذ تدابیری در زمینه های سیاست بازار کار، ساختن اماکن رهاپشی، در تعلیم و تربیت، توسعه و گسترش کار های خدمات اجتماعی و پیشنهادات در محلات مطالبه می کند. پیش زمینه غلبه بر جلوگیری از فقر تعویض جدی و شدید در سیاست مالیه و امور مالی است. در وهله اول گزارش انجمن "پاریتیت" مقایسه ده ساله را امکان پذیر می سازد. در ضمن عقب گرد سطح فقرا در تمام ایالت های شرقی المان به استثنای شهر برلین مشخص می سازد. در سمت دیگر فقر و غربت در تمام ایالت های غربی به استثنای هامبورگ و بایرن به طور محسوس بالا رفته است. در گزارش مقایسه ئی ده ساله، ایالت های "برلین" Berlin و "نوردراین وست فالن" Nordrhein-Westfalen مخصوصاً مناطقی که مشکل بیشتر دارند مشخص شده اند. با در نظر داشت تعداد جمعیت و تمرکز بیشتر نفوس در یک روند طولانی مدت، شهرهای "روهر گبیت" Ruhrgebiet و برلین مجبور هستند تا در جمع آن مناطق المان که با دشواری فقر رو به رو اند، در نظر گرفته شوند.

در تمام گروپهایی که خطر فقر آشکارا آن ها را تهدید می نمود، در مقایسه با سال گذشته این خطر برحسب آتی افزایش نموده: افراد بدون شغل به ۵۹ درصد، آنهایی که به تنهایی سرپرستی اطفال شان را به دوش دارند به ۴۴ درصد، فامیل هایی با تعداد زیاد اولاد به ۲۵ درصد، انسانها با سطح آموزش فنی پائین به ۳۲ درصد و خارجی ها به ۳۴ درصد رسیده است. به خصوص رشد فقر و نیازمندی متقاعدان در مقایسه ده ساله تکان دهنده است. سهمیه فقر متقاعدان میان سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۱۵ از ۱۰.۷ به ۱۵.۹ درصد افزایش نموده و از این جهت با ۴۹ درصد، که در احصائیه نمی

گنجد. رفرم هائی را که جهت حفاظت سالخوردهگان طرح نموده و عملی می کنند، کافی نیستند تا بتوانند از فقر کهنسالان جلوگیری نمایند.

گزارش فقر در کنار اطلاعات تجربی نسبت به رشد فقر در المان حاوی تحلیل در زمینه شرایط و وضعیت زندگانی بین گروپهای مشخص اجتماعی (کسانی که به تنهایی مسئولیت و سرپرستی اطفال را به دوش دارند، کودکان و جوانان، بیکاران، افراد کهنسال، آوارگان، مهاجران، انسانهایی با امراض روحی و روانی، انسانهای معلول) و به موازات آن (بی مسکنی، سلامتی و فقر) می باشد.

ناشر گزارش فقر، مجموع انجمن پاریتیت، سازمان کمک به کودکان، اتحادیه سراسری همبستگی خلق، انجمن سراسری کار برای کمک به بی مسکنان، فدراسیون المانی حمایت از کودکان، انجمن مادران و پدران که به تنهایی سرپرستی اطفال شان را به عهده دارند، انجمن سراسری برای معلولان جسمی و روانی و ... ، اجتماع المانی جهت آسیب های روانی اجتماعی ، طرفداران پناهندگی و آنهایی که هوادار حق حیات مستقل هستند.

Interessenvertretung Selbstbestimmt Leben (ISL).

سازمانها مشترکاً از سیاست می خواهند تا در تصمیم گیری شان علیه فقر آن سیاست اجتماعی را پیش بگیرند که تمام انسانها را دربر بگیرد. لذا جهت مبارزه با فقر و دسترسی به کاهش نابرابری های اجتماعی، وقت آن است که سمت در سیاست اجتماعی و امور مالی عوض گردد.

سازمانها برای تاریخ ۲۷ و ۲۸ جون کنفرانسی بزرگی در پایتخت به خاطر مبارزه علیه فقر اعلام داشته اند، که حمایت و همکاری مشترک اتحادیه سراسری کارگران المان و کنفرانس ملی فقر Nationale Armutskonferenz را به دست آوردند جهت معلومات بیشتر می توانید به لینکهای ذیل مراجعه کنید:

www.der-paritaetische.de/armutsbericht

www.armutskongress.de

افزوده مترجم:

خوانندگان نهایت عزیز!

طوری که شما ترجمه را از نظر گذشتانید، طبق اعداد و ارقام اعلام شده از جانب سازمانهای مختلف در المان، نمی توان از شرایط واقعی و موجود که دامنه فقر در کشور سرمایه داری المان گسترش می یابد، چشم پوشی نمود. خلق المان حتا در ظرف یک سال فقیر تر شده اند که تأثیرات آن در تغییر زندگانی خلقها محسوس است. لذا قدرت خرید کمتر و بهبود شرایط در زندگانی مردم در سالهای اخیر دیده نمی شود.

طوری که همه می دانیم، ثروت جامعه را کارگران و زحمتکشان می آفرینند. در کشور سرمایه داری المان با وجودی که سرمایه ده ها مرتبه بیشتر رشد کرده است، رشدی که به دلیل تشدید استثمار کارگران و زحمتکشان می باشد، ولی دستمزد کارگر اگر در سال درصد ناچیز و آنهم ماه ها با جر و بحث هائی که صورت می گیرد، زیاد کرده شود، در مقابل از کرایه سرسام آور خانه آنان گرفته تا تأمین زندگانی و مخارج درس و تحصیل فرزندان آنها و در پیوند به آنها مسایل زیاد دیگریست که پدران و مادران باید هر ماه بپردازند. در نتیجه میلیونها کارگر هر ماهی که می گذرد در فکر هستند که چطور باید مصارف ماهانه خود را بپردازند. در مقابل مشتی از سرمایه داران و فابریکه داران هستند که بدون عرق ریزی از هزاران نعمت زندگانی برخوردار می گردند و آنهم به قیمت نیروی جسمی و دماغی کارگران که تولید می کنند و ارزش می آفرینند، ولی به اساس ارزش کار هرگز به آنها دستمزد پرداخته نمی شود. سرمایه داران فقط به شکل کار کارگران توجه دارند و نه به ماهیت کار که کالا یا ارزش را می آفریند و این ارزش قطعاً به خود

کارگران تعلق نمی‌گیرد. به گفته مارکس فلیسوف جهان " کارگران راساً ارزش متضاد نیروی کار فروخته شده خود را حاصل می‌نمایند".

طوری که شاهد هستیم، سطح زندگانی کارگران و زحمتکشان در زمان کارکردن و زحمت کشیدن و عرق ریزی هم به مراتب پائین تر و خرابتر از سطح زندگانی سرمایه داران و صاحبان فابریکه است، زمانی که آنها تقاعد می‌کنند پول بازنشستگی که تقریباً نصف عایدیست که در زمان کار کردن به دست می‌آوردند، به آنها پرداخته می‌شود ولی نصف دیگر آن در خزینه دولت سرمایه داری غارت می‌شود. طبق قوانینی که زیر نام رفورم دولت المان به نفع خود وضع نموده است، فرد متقاعد با تقریباً نصف عاید همیشگی خود علاوه به کرایه خانه و مصارف جانبی دیگر باید یک قسمت از مصارف صحتی و خرید ادویه را هم خود بپردازد. در حالی که سالهای قبل همه اینها نه تنها برای متقاعدان بلکه برای همه رایگان بود و به همین ترتیب ده ها مسأله دیگر. پس گفته می‌توانیم که شرایط خراب اقتصادی به گونه ای بحرانی گریبان گیر اکثریت جامعه است. سالهای مدیدی است که چنین اوضاع و فضائی بر جامعه کارگری حاکم شده است و نظام هم تا کنون به صد ها اعتراض کارگری اهمیت قابل نشده و هزاران نفر از کار بیکار می‌شوند. تا جایی که اطلاع دارم سطح بیکاری در المان روز تا روز افزایش می‌یابد و بر تعداد بی‌مسکنان افزوده می‌شود.

نقش و وظیفه ای را که اتحادیه ها و احزاب کارگری در سالهای قبل داشتند و جنبش های اعتراضی را به خاطر افزایش دستمزد و بهتر شدن شرایط و محیط کار سازماندهی می‌کردند و با طرح شعار های مبارزاتی عملاً داخل اقدام می‌شدند و خلقها را به همبستگی با خود دعوت می‌نمودند، در مراکز شهر ها در جاده ها به خواسته های خود و علیه سرکوب گران و استثمار گران دست به تظاهرات می‌زدند و توجه عابران را به سیاستهای دولت سرمایه داری جلب می‌کردند، متأسفانه امروزی اثری از اقدامات مبارزاتی آنها در زمینه دیده نمی‌شود. کارگران توانسته بودند با قدرت سیاسی و تشکیلاتی خود سرمایه داری را در یک حدودی مهار کنند، اما اکنون که رهبری جنبش اعتراضی و مبارزاتی کارگران جهت کسب مطالبات آنها از بین برده شده و اتحادیه کارگری از پایه های اجتماعی خود کنده شده ، با مصارف گزافی دولت توسط جاسوسان و دست نشانندگان خود، کلیه تشکل های کارگری را در اختیار خود قرار داده تا افکار آنها را به سود خود سوق بدهند و بدون جزئی ترین عکس العملی نسبت به تصامیم ضد انسانی دولت به زندگانی پر مصیبت و مشقت بار خود ادامه بدهند.

توده ها بدون موجودیت احزاب واقعاً پیشرو و اتحاد و یکپارچگی، قادر به احقاق حقوق پامال شده شان نمی‌شوند. طوری که در شرایط فعلی دیده می‌شود طبقه کارگر در المان از اتحاد به دور است و جامعه فاقد سازمان سراسری و فاقد پیشقراولان سیاسی است. این را می‌دانیم که برانداختن نظام سرمایه داری و کار مزدی، محور استثمار و طبقات به طور کلی نیاز به همبستگی و پیکار طولانی خلقها به رهبری حزب پیش‌آهنگ دارد در غیر آن همین آش است و همین کاسه.